

■ **سمانه صادقی**

سرپال «معمای شاه» برای حسین نورعلی باز یگر نقش اصلی(محمدرضا پهلوی) این مجموعه که تا پیش از این حضور چندانی در عرصه تصویر نداشته و در واحد دوبلاژ فعالیت می کرده، تجربه موفق بوده است. مجموعه‌ای که شاید برای بسیاری از مخاطبانش به دلیل نوع روایت زندگی خصوصی خاندان پهلوی، به خصوص شاه مخلوع ابران جذاب بوده و البته انتقاداتی را نیز به همراه داشته است. به واسطه نخستین تجربه حرفه‌ای نورعلی در مدیوم تلویزیون، با او به گفت‌وگو نشستیم و در خصوص برخی از انتقاداتی که به این سرپال تاریخی شده است، به بحث پرداختیم.

■■■■

**اگر مایل باشید بحث را از این نقطه آغاز کنیم که لزوم ساخت سرپال‌های تاریخی در این برهه چیست؟**

به نظر من نیاز است. در کشورهای دیگر سرپال‌های مختلفی ساخته می‌شوند و دست مخاطب برای دیدن سرپال مطلوبش باز است. به نظر من سرپال‌های تاریخی همیشه برای مردم ما جذاب بوده‌است و کارهای تاریخی که ساخته شده‌اند همیشه بیننده خوبی داشته است، اما نکته مهم‌تر این است که ساخته شدن سرپال‌های تاریخی یک نیاز است. در کشورهای دیگر هم می‌بینیم فیلم‌ها و سرپال‌های مختلفی درباره مثلا گاندی یا هیتلر ساخته می‌شود. حالا اینکه کار به چه کسی داده یا چگونه ساخته می‌شود، امر دیگری است.

**گویشما پیش از بازی در سرپال «معمای شاه» هم نقش شاه مخلوع را بازی کرده بودید؟**

بله، در سرپال «عمرات فرنگی» هم بازیگر نقش محمدرضا پهلوی بودم ولی چون سرپال زندگی رضاشاه را به تصویر می‌کشیدم، من تنها مقطع کوتاهی را که مربوط به تحصیل می‌شود، بازگشتش به ایران و ازدواجش بافوزیه می‌شد، بازی کردم. در آن موقع آقای ورزی به من گفتند امیدواریم شرایطی پیش بیاید که زندگی محمدرضا پهلوی را بسازیم و پس از سال‌ها تحقیق و تفحص که در این زمینه انجام دادند، قسمت شد که این نقش را ایفا کنم.

**می‌شود گفت این اولین نقش حرفه‌ای و تخصصی شماست که البته در میان مخاطبان وجهه منفی دارد.**

ما در فیلم‌ها همیشه قهرمان و ضد قهرمان داریم، نقش اصلی این سرپال یک ضد قهرمان است و بازی کردن نقش یک ضد قهرمان در یک سرپال به عنوان نقش اصلی بسیار دشوار است.

**از ریزش کاری‌های نقشستان بگویید که برای نزدیک شدن به آن چه کردید؟**

تماشای فیلم، مطالعه کتب و اسناد بسیاری را برای نزدیک شدن به این نقش بررسی کردم. در واقع به عنوان یک بازیگر تلاش کردم نقش محمدرضا پهلوی را به گونه‌ای بازی کنم که برای مخاطب باورپذیر باشد، چراکه این نقش روایتگر سنین مختلفی از این فرد است و هر کسی که قرار بود این نقش را بازی کند، باید طوری بررسی و بازی می‌کرد که مخاطب تشخیص بدهد جوانی وی چگونه گذشته و میسالی‌اش چطور، چون محمدرضا پهلوی بعد از کودتای ۲۸ مرداد شخصیت دیگری می‌شود. در واقع هر اتفاقی که در گذشته تاریخی بر کشور داشت.

**تحقیق و پژوهش‌تان در مورد این نقش از سرپال «عمرات فرنگی» آغاز شد یا مشخص به این سرپال بود؟**

همانطور که مطلع هستید نگارش فیلمنامه معمای شاه در سال ۱۳۸۹ شروع شد. قبل از آن سه، چهار سال صرف تحقیق و فیلمنامه چندین بار نوشته و بازنویسی شد. زمانی که فیلمنامه در حال نگارش بود، آقای ورزی تماس گرفتند و گفتند خودت را آماده کن که می‌خواهیم این سرپال را بسازیم و من می‌باید هم از نظر فیزیکی و هم از نظر سواد شروع به تحقیق می‌کردم که این آدم چه شخصیتی داشته است. از طرفی باید فیلم می‌دیدم که ببینم راه رفتن، نگاه کردن و سایر حرکات این فرد چگونه بوده‌است.

به نظر در معمای شاه همه عوامل به شدت زحمت کشیدند و به عنوان بازیگر مدیون همه گروه هستم. یعنی نمی‌توانم ادعا کنم پلان یا سکانسی که از من گرفته شده است، به تنهایی خلق کرده‌ام. در هر سکانس از گرمیور گرفته تا بچه‌های صحنه، فیلمبردار، نورپرداز، کارگران، بازیگران و… سهم داشتند. در واقع بازی کردن در کاخ‌ها که آثار تاریخی هستند آسان نیست، چون لوازم موجود در صحنه‌ها تاریخی هستند و خیلی باید از آنها مواظبت شود. آقای ورزی هم بسیار به این موضوع اعتقاد داشتند و بسیار دقت می‌شد که به این لوازم آسیبی وارد نشود. باور کنید حتی در برخی صحنه‌ها تنها من اجازه نشستن روی صندلی کاخ را داشتم.

**غیر از مواردی که اشاره ه شد، خود شما برای نزدیک شدن به این شخصیت چه منابعی را مطالعه کردید؟**

آقای ورزی یک‌سری دستنوشته که جزو اسناد تاریخی بود را در اختیار گذاشتند که در آنها به پاراف‌های شاه اهمیت داده بود که سبب آشنایی من با خصوصیات محمدرضا پهلوی شد، به اضافه تعدادی کتاب مثل ظهور و سقوط پهلوی،پاسخ به تاریخ،خاطرات محمدرضا پهلوی،مأموریت برای وطنم، خاطرات اسدالله علم و یکسری کتاب مربوط به مرکز پژوهش‌های سیاسی، البته جالب است بدانید فقط به تماشای فیلم‌ها مربوط به زندگی محمدرضا پهلوی نپرداختم. زمانی که این نقش به من پیشنهاد شد، از یکی از دوستانم درخواست کردم هر فیلم کلاسیکی را که راجع به شاهان دنیا وجود دارد، برایم تهیه کند. همه آنها را با دقت دیدم چراکه از هر کدام یک نکته هم می‌موختم. غنیمت بود. به هر حال مطالعه و تماشای فیلم‌ها به نزدیک شدنم به این نقش بسیار کمک کرد.

علاوه بر اینکه در فیلمنامه به‌خوبی در مورد این شخصیت توضیح داده شده بود. می‌دانید که محمدرضا از دوران جوانی‌اش که رضاخان از ایران تبعید شد تا زمانی که بافوزیه، برثیا و فرح دیباا دواج کرد در معرض یکسری حوادث و بحران‌ها قرار گرفت. وقتی فیلمنامه را خواندم به این موضوع فکر کردم به عنوان بازیگر چه کاری باید

انجام دهم که مخاطب باور کند. حسین نورعلی که در حال بازی در سن ۲۲ سالگی محمدرضاست و با گرم پیر می‌شود، بازی‌اش در سنین مختلف متفاوت است. در خاطرات اسدالله علم خوانده بودم که وقتی می‌آمد و خبری را به محمدرضا می‌داد، بعد که بیرون می‌رفت فالگوش می‌ایستاد و به صدای حرکات وی توجه می‌کرد. مثلااگر شاه به پایش می‌زد، یعنی خوشحال است واگر حرکت دیگری را انجام می‌داد یعنی ناراحت است. در واقع سعی نکردم تنها به تقلید رفتار این آدم بپردازم، چراکه باورپذیر نمی‌شد.

**انصافا حالات و راه رفتن او را خیلی خوب در نقش‌تان در آورده‌اید…**

شما لطف دارید. به هر حال به خاطر تمریناتی بود که انجام می‌دادم، چراکه عاشق بازی در نقش‌های مختلف هستم و از موزن و خطا و تقد را دوست دارم. بسیار خوشحال خواهم شد کنسی ایراد کار را بگیرد، چون اساسا کار بدون ایراد وجود ندارد. تمام تلاشم در کار این بود که خیلی با دقت پیش بروم. روز اولی هم که این سرپال کلید خورد، بسیار حیثیتی باشم بر خورد کردم تا بتوانم از عهده آن بر بیایم، به هر حال اسم سرپال روی دوش این شخصیت بود: «معمای شاه» و باید این نقش را طوری بازی می‌کردم که باورپذیر باشد چراکه تاریخ معاصر است و بسیاری شاهد عینی آن دوران بوده‌اند، لذا کار بسیار دشوار است. بازی نقش محمدرضا پهلوی هم راه رفتن روی لبه تیز شمشیر است، چون شما نه می‌توانید چیزی کم بگذارید، نه اضافه کنید. بازی در نقش کسی که همه او را دیده‌اند، به مراتب دشوار تر است و هر بازیگری جرئت نمی‌کند چنین نقشی را بازی کند. چنین نقش‌هایی می‌تواند بازیگر را به اوج برساند یا او را سر به زمین برزند.

**برخی معتقدند فیزیک چهره تان سبب شده که مخاطب شما را به این نقش نزدیک احساس کند؟**

البته شباهت یکی از ملاک‌ها هست، ولی صد درصد نیست. ممکن است بازیگرانی را پیدا کنید که شبیه به شخصیت مورد نظر شما باشند، ولی فقط شباهت فیزیکی یکی ملاک انتخاب بازیگر برای ایفای نقش آن شخصیت نیست. برای ایفای این نقش باید سواد این کار را داشته باشید و دیالوگ‌ها را بفهمید و اجرا کنید. شباهت یک سمت قضیه است، اما اجرای نقش و باورپذیر بودن شخصیت سمت دیگر آن است که مغفول می‌شود. شما با شباهت فیزیکی نهایتا دو سکانس را پیش می‌برید، ولی اگر نتوانید دیالوگ‌ها را در دست بیان کنید، نقش را درست ارائه بدهید، به بازیگران دیگر



### دغدغه‌ها و چالش‌های ایفای نقش محمدرضا پهلوی در گفت‌وگوی «جوان» با حسین نورعلی

# ضدقهرمان بودن در نقش اصلی بسیار دشوار است

بهدرستی هماهنگ شوید، به نتیجه نمی‌رسید. صخوآصاً که همه بازیگران این مجموعه حرفه‌ای بودند و من باید هم‌تراز این بازیگرها پیش می‌رفتم. در واقع سرپال «معمای شاه» برایم یک دانشگاه برپا بود.

**شما هم از نظر فیزیکی و هم به دلیل یژ و هوش‌هایی که انجام دادید، بسیار به این شخصیت نزدیک شده‌اید، ولی این انتقاد وجود دارد که چرا بازیگران دیگر شخصیت‌ها از شباهت نسبی کمتری بر خوردار هستند. با توجه به اینکه مجموعه دوبله می‌شود و امکان حضور حتی ناباب‌یگر را هم ممکن می‌سازد؟**

این سؤال را باید از کارگران بپرسید، ولی من در حد بضاعت خودم می‌توانم پاسخگو باشم. وقتی کارگردانی می‌خواهد فیلم یا سرپال اینچنینی را شروع کند، شباهت بازیگران به شخصیت‌های اصلی داستان برایش مهم است. مگر می‌شود شما زندگی «محمدرضا»بی‌را بسازید که شبیه او نباشد؟ فکر می‌کنم آقای ورزی با وسواس‌هایی که دارند هنرمندانی را انتخاب کردند که شباهت داشته باشند و هم از عهده نقش بر بیایند. تصور نکنید در پیش تولید فقط حسین نورعلی برای نقش محمدرضا شاه دعوت شده. برای همه نقش‌ها بسیاری آمدند و تست گرمی و بازی دادند. فرضااگر برای نقش محمدرضا ۱۰ نفر آمدند، آقای ورزی طبق تخصص خودشان از بین همه آنها‌ندست به انتخاب زدند. به نظر من فقط شباهت دل بر انتخاب نیست. احساس این است که اگر آقای ورزی مرا انتخاب کردند، در هو جنبه را در نظر گرفتند و نگفتند چون این آقا به این شخصیت شباهت دارد نقش را به او می‌دهیم، بلکه هر دو موضوع را در نظر گرفتند. به نظر فردی که به درستی از عهده‌رل بر بیاید به فردی که تنها شباهت فیزیکی به نقش دارد، ولی از عهده بیان و دیالوگ‌ها و ایفای نقش بر نمی‌آید، اولویت دارد. بیان خوب، سواد نقش و بر آمدن از عهده نقش عوامل بسیار مهمی هستند.

**یکی از شخصیت‌هایی که به آن انتقاد شده بازیگر نقش ثریاست که از شباهت ظاهری کمتری نسبت به شخصیت اصلی بر خوردار است.**

در اینجا جا دارد از خانم مهراره شریفی نیا دفاع کنم. درست است آن شباهتی که می‌گویید خیلی وجود ندارد، ولی ایشان خیلی خوب بازی کرده و از عهده نقشش برآمده است. ممکن بود کسی را می‌آوردند که شباهت بیشتری به ثریا داشت، ولی شاید نمی‌توانست از عهده این نقش بر بیاید. شما که نمی‌دانید آقای ورزی



عکس:مسیح خانیان،مهنا، جوان

**باز خوردهایی که از سرپال دریافت کرده‌اید چطور بوده‌است؟**

سرپال در حال دیده شدن است. چه کسانی که نقد و چه کسانی تشویق می‌کنند سرپال را می‌بینند. هدف ما هم دیده شدن سرپال بود. به هر حال هر کاری نقدهای خاص خودش را دارد و نقدهای منفصله همیشه خوب هستند، ولی توهین در هیچ جای دنیا قابل قبول نیست. انسان هستیم و هر انسانی برای اینکه رشد و ترقی کند، باید نقد شود.

**حسین نورعلی با بازیگران دیگری که نقش محمدرضا پهلوی را بازی کرده‌اند مورد مقایسه قرار گرفته؟**

هر روز خدا را شکر می‌کنم که تا امروز هیچ‌کسی نگفته شبیه نبودی یا بد بازی کردی. اما می‌دانم نقشم جای تروش دارد و خودم هم هر سکانسی را که می‌بینم، می‌گویم اگر تکرار می‌شد بهتر می‌بود که البته طبیعی است چون کار هنر از موزن و خطاست.

**در مطالعاتی که داشتید، محمدرضا پهلوی را از بعد شخصیتی و عملکردی چگونه شناختید؟**

وابستگی‌ای که این آدم داشت برایم جالب بود. مثلاً خانواده بسیار روی او تأثیر داشتند. می‌دانید که او در طول دوران سلطنت دچار یک‌سری بحران می‌شود، شاه‌ی که قبل از کودتای ۲۸ مرداد می‌بینید با شاه‌ی که بعد از آن شاهدش هستیم متفاوت است و هر انسانی در اثر رویدادهای تاریخی به تجربه‌ای می‌رسد. محمدرضا پهلوی هم زمانی که به سلطنت می‌رسد یک آدم است و زمانی که از ایران می‌رود و در قاهره می‌میرد آدم دیگری است. سیر تاریخی این آدم خیلی متفاوت بود، در واقع همواره دچار بحران بود و این بحران موجب اتفاقاتی در تاریخ شد که اگر در این سرپال دنبال کنید متوجه خواهید شد چه کسانی روی این آدم تأثیر گذار بوده‌اند. مثل اسدالله علم، فردوست، اشرف خواهر دوقلوی او، کشورهای غربی… همه بر او تأثیر گذاشتند. این سرپال به‌طور کامل به شما نشان خواهد داد چه اتفاقاتی در زندگی این آدم افتاده است.

**بسیاری معتقدند وارد کردن درام خانواده دکتر و وزیر در این سرپال قسهه را از مسیر اصلی خود منحرف می‌کند. نظر‌تان چیست؟**

در این باره نمی‌توانم اظهار نظر کنم، چون این نظر محقق و فیلمنامه‌نویس است. به نظر من اگر فقط دربار ارتشان می‌دادند خسته‌کننده می‌شد، چون به هر حال باید شرایط اجتماعی آن دوره هم به تصویر کشیده می‌شد. به نظر ما باید صبر کرد، چون همه این قصه‌ها به‌تدریج در یکدیگر نیده می‌شوند و شکل به نظر من هر هر کنار هم فکسنگ است و او، یکی از این دو قصه جداگانه پیش می‌رفتند سرپال زینا نمی‌شد. باز هم معنقد باید مقداری تحمل کنیم تا قصه پیش برود. نظر من از آنجاست که ۴۰ ساله مصاحبه نکنم، چون سبک مقدار کار آدم سخت می‌شود و دیگر حرفی برای گفتن نمی‌ماند. آنچه در زمینه بازیگری باید اتفاق بیفتد هنوز مانده است و هنوز کاری نکرده‌ام. با وجود سادگی مختلف کارگردان برای خودش ذهنیتی دارد که باید به اساس آن حرکت کند. در کل معتقدم قضاوت در مورد یک سرپال ۷۰\_۸۰ قسمتی خیلی زود است.

**اگر این فرد زنده بود، چه مسائلی برایشان در مورد نقش مغفول مانده که تمایل داشتید از او بپرسید؟**

اگر این امکان برایم وجود داشت، درباره بعد درونی و خلوت و سؤال می‌کردم و اینکه دل‌مشغولی‌ها، علایق و دغدغه‌هایش چه بود. از چه کسانی بدش می‌آمد؟ چه کسانی را دوست داشت؟ چه کسانی برایش مهم بودند؟ به چه چیزهایی رسیده و به چه چیزهایی نرسیده بود؟ دربارسه خلوتش از او می‌پرسیدم و اینکه وقتی گرمی می‌کرد در حال فکر کردن به چه مسائلی بوده یا مواقع خوشحالی چطور؟ چه جسی به‌زن فرزند داشته… همه اینها به من بازیگر کمک می‌کند نقش را بهتر در بیاورم. در واقع دوست داشتم از بخش درونی زندگی او مطلع شوم، وگرنه بخش بیرونی زندگی‌اش که طبق اسناد و مدارک موجود است.

**بسیاری از شباهت‌ها در بازی شما و شخصیت شاه مخلوع طبیعی است و بازیگری نیست. آیا ممکن است مطالعاتی که داشتید بر رفتار تان هم تأثیر گذاشته باشد؟**

به نظر من بازیگر اگر حساسیت نداشته باشد، نمی‌تواند نقش را در بیاورد. عشق، علاقه و اشتیاق به یک کار تعیین‌کننده است. زمانی که برای این کار انتخاب شدم، به این کار اعتقاد داشتم و اگر اعتقاد نداشتم اصلا نمی‌توانستم کار انجام دهم. باور کنید وقتی جلوی دوربین می‌روم، دیگر نه چیزی می‌بینم، نه چیزی می‌شنوم و همه تمر کرم روی نقشی است که باید ایفا کنم، چون عاشق این کار هستم و برای رسیدن به اینجا زحمت کشیده‌ام. اینطور نبوده که ناگهانی نقش محمدرضا پهلوی را به من داده باشند، آن هم در یک پروژه ملی. باید به من اعتماد می‌کردند. واقعا باید از آقای ورزی تشکر کنم این اعتماد را به من کرد که اگر اعتماد ایشان نبود نمی‌شدد، چون از روز اول می‌دانستم برخی با نگاهشان معتقدند نمی‌توانم از عهده این نقش بر بیایم. نمی‌گویم الان خیلی موفق هستم، ولی خدا را شکر می‌کنم که تا به حال کسی ایراد بزرگی به کارم نگرفته است و این واقعا جای شکر دارد.

فیلم یا سرپال دیگری بازی نمی‌کنم، پشتوانه‌ای مثل «معمای شاه» را پشت سمر دارم و تجربه کسب کرده‌ام، ولی باز هم تشنه تجربه هستم. خیلی غرور خطرناکی است که بگویید من بldم پله‌ها را خودم بالا بروم. کافی است یک لحظه لیز بخورید



و پایین بیفتید.

**شما که اینقدر به باز یگری علاقه‌مند هستید، چطور سر از دوبله در آوردید؟**

باید بگویم خیلی به سختی درس خوانده‌ام و هیچ چیزی را مفت به دست نیآورده‌ام و به همین دلیل هم آن را آسان از دست نمی‌دهم. از زمانی که خودم را شناختم عاشق هنر بودم و از موسیقی، نقاشی و دیگر هنر‌ها لذت می‌بردم. از همان زمان دوست داشتم بازیگر شوم و می‌دانستم باید در این رشته تحصیلات آکادمیک داشته باشم. بعد از دوره راهنمایی به دبیرستان رفتم و گرافیک خواندم.

به من گفتند مادر اینجا بازیگری درس نمی‌دهیم، ولی تو می‌توانی گرافیک بخوانی و در دانشگاه به تحصیل بازیگری بپردازی. به همین خاطر بعد از گرفتن دیپلم، لیسانس بازیگری و بعد از آن هم فوق لیسانس کارگردانی‌ام را گرفتم. بعدها خیلی اتفاقی دوستی به من گفت برای واحد دوبلاژ تست صدا می‌گیرند و من رفتم تست صدا دادم و قبول شدم. در تمام این سال‌ها پیگیر بازیگری هم بودم، ولی اتفاق نمی‌افتاد. همیشه این علاقه با من بود و اعتقاد داشتم برای آنچه می‌خواهی بدان برسی باید زحمت بکشی. فیلم می‌دیدم و کتاب می‌خواندم، اما دوبله خیلی به من کمک کرد. زمانی که انسان دوبله می‌زند دقت می‌کند و نکات بسیاری را از بازی آنها یاد می‌گیرد که بسیار در بازیگری کمک می‌کند.

همه اینها کمک کرد و وقتی از واحد دوبلاژ برای ایفای نقش محمدرضا پهلوی انتخاب شدم، همه این تجربه‌ها به کار آمدند چراکه نقش شخصیتی است که همه دنیا او را می‌شناسند و برای ایفای این نقش باید به خودم اعتماد و اعتقاد می‌داشتم و برایش زحمت می‌کشیدم. با این ریاضت‌هاست که انسان شکل می‌گیرد. تا زمانی که زنده باشم عاشق تجربه کردن هستم. الان هم شما به عنوان کارگردان من بگویید باید نقش یک قاتل را بازی کنم. می‌روم و درباره آن قاتل تحقیق می‌کنم و جان می‌گذارم تا کارگردان از اینکه این‌س نقش را بازی می‌کنم راضی شود، چون به کارم علاقه دارم. امروزه جادوی بازیگری همه را فرا گرفته‌است و همه تصور می‌کنند بازیگر خوبی هستند، ولی اینطور نیست. باید در موقعیت قرار بگیرید تا بدانید چه کار سختی است و چقدر تخصص می‌خواهد. اگر قرار باشد انسان کاری را انجام بدهد، غیر از استعداد ذاتی باید زمین بخورد، بلند شود و زحمت بکشد. هیچ چیز ارزشمندی به آسانی به دست نمی‌آید.

**انتقاداتی که از این سرپال می‌شود را چقدر غیر منصفانه می‌دانید؟**

هر کاری ساخته می‌شود که نقد شود اما همان‌طور که اشاره کردم بعضی‌ها سلیقه‌ای بر خورد و نقد می‌کنند و غرض دارند بد تکلیف‌شان معلوم است. کسی هم که سلیقه‌ای بر خورد می‌کند نیازی به توضیح و پاسخ دادن ندارد، چون سلیقه‌اش این است. ولی به شخصه نقد کسی را که درست و علمی بحث می‌کند، می‌پذیرم و روی چشم می‌گذارم. در میان منتقدان عده‌ای هم هستند که نمی‌گویند تو بد انتخاب شده‌ای یا بد بازی می‌کنی، ولی با داستان سرپال مشکل دارند. یک وقت به من می‌گویند مثلا وقتی شاه مخلوع داشت از پله‌های مجلس بالا می‌رفت این حرکت را کرد و من با تماشای فیلم آن رویداد تاریخی متوجه می‌شوم نقد درستی است و من اشتباه بازی کرده‌ام. طبیعتاً چنین نقدی را می‌پذیرم و بازی‌ام را اصلاح می‌کنم. واقعا خود من بارها بارها فیلم مجلس رفتن شاه را با دقت تماشا کردم تا ببینم متوجه می‌شوم نقد درستی است. دادن دستش چگونه بوده است. یک وقت‌هایی هم با تمام این دقت‌ها حرکتی دقیق در نمی‌آید که دیگر کاری نمی‌شود کرد، ولی یک وقت است مثلا می‌گویند تو اصلا بازیگر نیستی که خودم هر وقت احساس کنم راه را اشتباه آمده‌ام، بازیگری را کنار می‌گذارم.

**به نظر شما ویژگی‌هایی که «معمای شاه» را از دیگر آثار تاریخی متمایز می‌کند، کدامند؟**

کار در آثار تاریخی سخت است، خصوصاً اینکه تاریخ معاصر باشد. به نظر من تماشای سرپال «معمای شاه» برای جوانان و جوانان می‌تواند مفید و اثر گذار باشد. به نمونه‌ای اشاره می‌کنم. مسئولان کاخ سعدآباد می‌گفتند با آنکه قبل از بخش این سرپال هم بازدیدکننده داشتند، اما پس از بخش این سرپال تعداد بازدیدکنندگان در نروز بعد قریب افزایش یافته که خدمت‌رسانی به ایشان با دشواری همراه و حتی برای گرفتن بلیت صف‌های طولانی ایجاد می‌شده است. کاملا مشخص است این سرپال اطلاعات تاریخی مردم را بالا برده و اشتیاقشان را برای شناخت تاریخ معاصر بیشتر کرده است.

نکته دیگر اینکه برای همه مردم فرصت و امکان مراجعه به آثار و اسناد تاریخی وجود ندارد و این سرپال اطلاعات لازم را در اختیار آنها قرار می‌دهد و علاقه مردم را به تاریخ برمی‌انگیزد. بدیهی است هر کاری موافق و مخالف داشته باشد. خوبی رسانه ملی در این است که امکان دیده شدن فیلم‌ها و سرپال‌های گوناگون را فراهم می‌سازد و همه می‌توانند انتخاب کنند. در مورد سرپال «معمای شاه» هم می‌بینم که مردم به همدیگر دیدنش را پیشنهاد می‌کنند و این اشتباه است که بگوییم این سرپال دیده نمی‌شود.

**بعد از این مجموعه پیشنهادی برای بازی داشته‌اید؟**

یک فیلم سینمایی و یک سرپال، منتها هنوز درگیر تصویربرداری برخی صحنه‌های «معمای شاه» هستم. البته دیگر نقش شاه را بازی نخواهم کرد و اینکه بعدها چه اتفاقی بیفتد را به تقدیر الهی می‌سپارم.